

هوالله

ای دختر ملکوتی من در راه‌آهن رو به سانفرانسیسکو میرویم بیاد خوی تو افتادم و بیاد روی مستر جفری کوچک فوراً بتحریر این نامه پرداختم این را بدان که نهایت سرور من وقتی است که آن دختر عزیز را بینم سرگشته و سودائی و مشهور بشیدائی و مفتون جمال الهی و منجذب بنفحات جنت ابھی است چون شمع بسوزد و بگدازد لکن بانجمن نور بخشد و امیدم چنانست که چنین گردی

در خصوص مسئله اقتصادی که بموجب تعالیم جدید است از برای شما مشکل فکری حاصل شده بیان چنان نبود ولی روایت چنین گشت لهذا اساس مسئله را از برای شما بیان میکنم تا واضح و مبرهن شود که این مسئله اقتصادی جز بموجب این تعالیم حلّ تام نیابد بلکه ممتنع و محال و آن اینست که این مسئله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی باصناف دیگر گردد زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است لهذا سزاوار چنان است که اقتصاد از دهقان ابتدا شود و دهقان اول عامل است در هیئت اجتماعی باری در هر قریه باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل گردد که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد و همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن بمعرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقادیری معین بجهت آن مخزن گرفته شود این مخزن هفت واردات دارد واردات عشریه رسوم حیوانات مال بی‌وارث لقطه یعنی چیزی که در راه پیدا شود و صاحب نداشته باشد دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع باین مخزن است معادن ثلثش راجع باین مخزن است تبرعات خلاصه هفت مصرف نیز دارد اول مصارف معتدله عمومی مانند کاتب مخزن و اداره صحت عمومی ثانی ادای عشر حکومت ثالث ادای رسوم حیوانات بحکومت رابع اداره ایتم خامس اداره اعاشه عجزه سادس اداره مکتب سابع اکمال معیشت ضروریه فقرا اول واردات عشر است و آن باید چنین گرفته شود ملاحظه میشود که یک نفر واردات عمومی‌اش پانصد دلار است و مصارف ضروری‌اش پانصد دلار از او چیزی عشر گرفته نشود شخصی دیگر مصارف‌اش پانصد دلار ولی وارداتش هزار دلار از او عشر گرفته میشود زیرا زیادتر از احتیاجات ضروریه دارد اگر عشر بدهد در معیشتش خلل حاصل نگردد شخص دیگر هزار دلار مصارف ضروریه دارد ولی پنج‌هزار دلار واردات چون چهارهزار دلار فضله دارد از او یک عشر و نصف گرفته میشود زیرا فضله زیاد دارد شخص دیگر مصارف ضروری‌اش هزار دلار است ولی وارداتش ده‌هزار دلار از او دو عشر گرفته میشود زیرا فضله زیاد دارد شخص دیگر مصارف ضروری‌اش چهار یا پنجهزار دلار است ولی وارداتش صد‌هزار دلار از او ربع گرفته میشود دیگری حاصلاتش دویست دلار ولی احتیاج ضروری‌اش که قوت لایموت باشد پانصد دلار است و در سعی و جهد قصوری نموده ولی کیشش برکتی نیافته این شخص را باید از مخزن معاونت نمود تا محتاج نماند و براحت زندگانی نماید و در ده هر قدر ایتم باشد بجهت اعاشه آنان از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود و از برای عجزه ده باید مقداری تخصیص داد و از برای نفوس از کارافتاده محتاج باید از این مخزن مقداری تخصیص نمود از برای اداره معارف ده باید مقداری از این مخزن تخصیص نمود از برای اداره صحت باید مقداری از این مخزن تخصیص نمود و اگر چیزی زیاد ماند آن را باید نقل بصندوق عموم ملت بجهت مصارف عمومی کرد چون چنین ترتیب داده شود هر فردی از افراد هیئت اجتماعی در نهایت راحت و سرور زندگانی نماید و مراتب نیز باقی ماند در مراتب ابداً خللی واقع نگردد زیرا مراتب از لوازم ضروریه هیئت اجتماعی است هیئت اجتماعی مانند اردوئی است در اردو مارشال لازم جنرال لازم کولونل لازم کاپیتان لازم نفر لازم ممکن نیست که کلّ صنف واحد باشد حفظ مراتب لازم است ولی هر فردی از افراد اردو باید در نهایت راحت و

آسایش زندگانی کند و همچنین شهر را والی لازم قاضی لازم تاجر لازم غنی لازم اصناف لازم زرع لازم و البته این مراتب باید حفظ شود و الا انتظام عمومی مختل گردد

بجناب مستر پارسنز نهایت اشتیاق و محبت ابلاغ دارید هرگز او را فراموش ننمایم و اگر ممکن باشد این نامه را در یکی از جرائد نشر نمائید زیرا دیگران با اسم خود این قانون را اعلان نمایند و به قدسیّه تحیت ابدع ابھی ابلاغ دارید و علیک
البهآء الأبهی ع ع

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ اکتبر ۲۰۲۱، ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر